

به بهانه سالروز ربوده شدن حاج احمد متوسلیان

چهل سال گمنامی

میرحاج قندی

آخبرنگار

حاج احمد متوسلیان مرد تصمیم‌های بزرگ و تحقق آنچه رویا پنداشته می شد، بود. دانشجوی مهندسی الکترونیک دانشگاه علم و صنعت بود و از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب، انقلابی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پاسدار شد و سال ۱۳۵۹ در ۲۷ سالگی به نبرد غائله سازان ضدانقلاب در کردستان رفت.

در ۲۸ سالگی فرماندهی تیپ و کمی بعد لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) تهران را برعهده گرفت. سال ۶۱ در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس شگفتی آفرید. جزو فرماندهان پیشرو در آزادی خرمشهر هم بود. الگوی فرماندهی‌اش هم مثل خودش خاص و زیان‌زد بود. شهید حاج قاسم سلیمانی یکبار در سخنرانی‌هایش به نوع فرماندهی حاج احمد متوسلیان اشاره کرد و گفت: «خودش جلو می‌رفت و به نیروها می‌گفت

بباید نه اینکه مثل فرماندهان کلاسیک که عقب می‌ایستادند و به نیروها می‌گفتند بروید…» با همین روش در جبهه مقاومت منطقه هم پیش‌تاز بود. شاید بشود او را از اولین رزمندگان مدافع حرم در سوریه دانست. وقتی صهیونیست‌ها جنوب لبنان را اشغال کرده بودند و رؤیای نیل تا فرات را در سر می‌پروراند به همراه هیاتی رسمی از مسئولان سیاسی- نظامی ایران، راهی سوریه شد.البته ماندنش در

سوریه چندان طولانی نبود و به‌عنوان وابسته نظامی سفارت ایران به لبنان می‌رود. تا اینجا اسم حاج احمد متوسلیان به‌عنوان فرمانده مأموریت‌های غیرممکن برسر زبان‌هاست اما از اینجا به بعد شهرتش گمنامی می‌شود. حاج احمد ۱۴ تیر سال ۶۱ سوار بر خودرو سفارت ایران به همراه سید محسن موسوی، کاردار سفارت، تقی رستگار مقدم کارمند سفارت و کاظم اخوان، خبرنگار ایرنا عازم بیروت می‌شود. در میانه راه خودرو آنها در یک ایست بازرسی مربوط به اعضای حزب سیاسی وابسته به رژیم صهیونیستی در لبنان معروف به فالانژها متوقف شده و توسط نیروهای اسرائیل گروگان گرفته می‌شوند.

با پیگیری‌های چندین ساله حقوقی ایران در سال ۲۰۰۸ رژیم صهیونیستی گزارشی را به سازمان ملل ارائه می‌کند که خلاصه‌اش این است؛ دیپلمات‌های ایرانی همان روز اول ربایش شهید شده و ماجرا هیچ ریطی به اسرائیل ندارد، اما رفتار صهیونیست‌ها چیز دیگری را نشان می‌دهد. برای مثال در همان سال ۲۰۰۸ که آخرین تبادل اسرا بین حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی انجام شد، حزب‌الله بر آزادی چهار دیپلمات ایرانی پافشاری می‌کند، اما این بار هم صهیونیست‌ها از تبادل اسرای ایرانی سر باز می‌زنند و همچنان مسئولیت حقوقی یکی از طوایف تریب آرم ربایی‌های تاریخ برگردن اسرائیل باقی مانده است. در این چهل سال گمنامی، روایت‌های بسیار زیاد و البته متناقضی درباره زنده بودن یا نبودن حاج احمد و هم‌راهانش وجود داشته که هر کدام هربار دل چشم انتظاران را لرزاند است.

نگاهی به آثار خواندنی درباره احمد متوسلیان

به مناسبت سالروز ربوده شدن حاج احمد متوسلیان، در ادامه به معرفی تعدادی از کتاب‌هایی که درباره این چهره جاویدالابر نوشته شده است، می‌پردازیم. در بعضی از این آثار، خاطرات حاج احمد بیان شده و در بعضی دیگر ضمن بیان خاطرات، به سرنوشت این فرمانده دفاع مقدس پرداخته شده است.

اولین اثر کتاب «وقتی کوه گم شد» به قلم بهزاد بهزادپور است که براساس زندگی سردار بی‌نشان حاج احمد متوسلیان نوشته شده است. این کتاب برشی از یک فیلم‌نامه بلند برای تولید مجموعه‌ای تلویزیونی است که بهزادپور آن را در ۴۷۸ صفحه به رشته تحریر درآورده و نشر ۲۷ بعثت آن را چاپ و منتشر کرده است.

اثر بعدی مجموعه ۲۸ جلدی «قصه فرماندهان» است که در هر جلد آن سرگذشت‌هایی داستان گونه از زندگی فرماندهان شهید هشت سال دفاع مقدس روایت شده است. جلد نهم از این مجموعه که به قلم حسین نیری نوشته شده و انتشارات سوره مهر آن را چاپ کرده است،



زندگی فرمانده و دیپلمات شهید کشورمان، شهید احمد متوسلیان مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات این کتاب از مصاحبه با هم‌زمان، خانواده و دوستان این فرمانده گردآوری شده و نیری تلاش کرده اطلاعاتی شیده نشده از حاج احمد متوسلیان را در اختیار مخاطب قرار دهد.

«همای صاعقه» کتاب دیگری است که در این باره می‌شود آن را معرفی کرد. این اثر که به همت حسین بهزاد و گلعلی بابایی نوشته شده است در خصوص شکل گیری لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) است و روایتی از مقطع زمانی ۶ ماهه از جنگ تحمیلی، یعنی از ابتدای دی ماه ۱۳۶۰ تا اواخر تیرماه سال ۱۳۶۱ را بازگو می‌کند. موضوع اصلی این کتاب شرح مستند مراحل آغازین تأسیس تیپ نظامی محمد رسول‌الله است و نقش این تیپ را در دو عملیات بزرگ فتح‌المبین و بیت‌المقدس بیان می‌کند. نویسنده‌گان کتاب که خود از رزمندگان لشکر بیست و هفتم محمد رسول‌الله(ص) بوده‌اند، از زبان و بیان فرماندهان مفقود و شهید این تیپ به روایتگری قصه جنگ پرداخته‌اند که یکی از بخش‌های مهم کتاب بازروایی دوران فرماندهی جاویدالآثر حاج احمد متوسلیان است. مکالمات رودرروی فرماندهان، متن مکالمه شهید همت با حاج احمد متوسلیان، متن مذاکرات و تماس‌های مخابراتی و بی‌سیم، این کتاب را جذاب و خواندنی کرده است.

کتاب بعدی که با استقبال مخاطبان مواجه شد، کتاب عکسی است که انتشارات یا زهرا سال ۱۳۹۴ با عنوان «کاک احمد» روانه بازار نشر کرد. این کتاب که به همت محمدعلی صمدی و علی اکبر مزداآبادی آماده شده است تلاش دارد با ارائه تصاویری کمتر منتشر شده از شهید و فرماندهان جنگ، جوانان را بیش از پیش با آنها آشنا کند. در این کتاب بیش از ۱۰۰ عکس از احمد متوسلیان ارائه شده است. برای گویاسازی عکس‌ها در کنار تصاویر، زیرنویس‌هایی به زبان‌های انگلیسی و فارسی آورده شده است. همچنین در پشت جلد این کتاب، دست‌خطی از محمد متوسلیان، برادر جاویدالآثر حاج احمد متوسلیان درج شده است.

یکشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۱

سال بیست و هشتم

شماره ۷۹۴۷

نگاهی به مهم ترین تحولات میدان جنگ در ماه های آخر دفاع مقدس

ابتکاری که اراده جنگی صدام را بی اثر کرد



پدیده!ایزدی پژوهشگر تاریخ جنگ

وب‌ا تکتا به حمایت روانی و سیاسی –

تبلیغاتی حضور نظامی امریکا در خلیج فارس، توانست روحیه لازم را برای خروج از مواضع پدافندی و کسب ابتکار عمل به دست آورد و حملات گسترده‌ای را انجام دهد.

نخستین عملیات از حملات جدید عراق در منطقه فاو انجام شد.ارتش عراق در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ با استفاده از دو سپاه هفتم گارد ریاست جمهوری و یگان‌های نیروی دریایی خود شامل ۱۰ لشکر و ۲۶ تیپ به این منطقه حمله کرد و هم‌زمان با این اقدام نیروی دریایی امریکا یک حرکت نظامی و در عین حال نمادین در خلیج فارس انجام داد. در این حرکت بالگردها و ناوهای امریکایی به چند اسکوی نفتی ایران در شمال خلیج فارس هجوم آورده و حمایت قطعی امریکا از عراق در حمله به فاو را به نمایش گذاردند. هجوم ارتش عراق به فاو کاملاً غافلگیرانه بود. گسترده‌گی سلاح شیمیایی به کار رفته در این عملیات تا سه برابر منطقه عملیاتی فاو بود تا حدی که توانست منطقه را در حد تحمل ناپذیر برای موجودات زنده، آلوده کند.در این وضعیت و در حالی که عراقی‌ها دارای جاده‌های وصولی مناسب بودند و نیروهای ایران در آن سوی رودخانه اروند فقط به یک پل متکی بودند، خطوط دفاعی آنان در برابر آتش شدید و سلاح شیمیایی و بمباران‌های گسترده ارتش عراق ۴۸ ساعت مقاومت کردند.

پس از سقوط فاو، موانع روانی در ارتش عراق تا حد زیادی برطرف شد و ابتکار عمل به دست آنان افتاد و رزمندگان ایران قبل از آنکه فرصت یابند خود را با وضعیت جدید وفق دهند با حوادث دیگری مواجه شدند.در تاریخ چهارم خرداد ۱۳۶۷ یعنی تنها ۳۷ روز پس از سقوط فاو ارتش عراق با سپاه‌های سوم و گارد واحدهایی از سپاه هفتم خیبر و بدر طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۲ با سقوط این منطقه مهم (فاو-

سلمجه- جزایر مجنون) که حاصل ۵، عملیات بزرگ والفجر ۸، کرکلی ۵، خیبر و بدر طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ سوم و گارد واحدهایی از سپاه هفتم به سلمجه هجوم برد و منطقه تصرف شده در عملیات کرکلی‌ا ۵ را در اختیار گرفت.در این عملیات نیز عراقی‌ها به طور وسیع از سلاح شیمیایی بهره گرفتند.

تدبیر جنگی در شرایط دشوار

پس از سقوط سلمجه در حالی که عراقی‌ها برای هجوم به جزایر مجنون آماده می‌شدند، نیروهای سپاه پاسداران با هدف متوقف کردن ماشین جنگی عراق و برهم زدن گرایش هجومی آنان عملیاتی را با نام «بیت المقدس ۷» در



سواران سپاه پاسداران در حین عملیات



منطقه سلمجه انجام دادند و با وجود موفقیت‌های اولیه و گرفتن بیش از ۱۲۰۰ اسیر به دلیل بروز مشکلات به مواضع قبلی خود بازگشتند.

در ادامه شرایط ایجاد شده در حدود

۲ ماه گذشته، ارتش عراق در تاریخ چهارم تیرماه سال ۱۳۶۷ پس از به کارگیری سیارگسترده سلاح شیمیایی به منجر به شهادت و مصدوم شدن حدود ۴ هزار رزمنده طرف یکی دو ساعت شد، عملیات بازگشتند.

در این شرایط برتری تعداد اسرای عراقی که در ایران به سر می‌بردند مشخص بود. یکی از عوامل برتری ایران برعراق در اختیار داشتن اسیران بیشتر بود. لذا ارتش عراق برای برهم زدن این نسبت در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۶۴ به مواضع ارتش در عین خوش، دشت عباس و فکه حمله کرد و با گرفتن حدود ۱۷ هزار اسیر و غنایم فراوان تا حدود

زیادی این فاصله را کم کرد.

در چنین شرایطی ایران برای به دست گرفتن مجدد ابتکار عمل و با هدف آزاد کردن نیروهای خود از حالت دفاعی در نقاط پراکنده و متمرکز ساختن آنها برای مقابله با اقدام بعدی دشمن تصمیم به عقب آمدن از چند منطقه عملیاتی کرد

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



سواران سپاه پاسداران در حین عملیات

تاریخ	جبهه	منطقه	استعداد دشمن	نتیجه
۱۳۶۷/۱/۲۸	جنوبی	شبه جزیره فاو، منطقه عملیاتی والفجر ۸	۱۰ لشکر	فاو سقوط کرد
۱۳۶۷/۳/۲۲	جنوبی	شرق بصره، منطقه عملیاتی کرکلی ۵	۵لشکر	سلمجه سقوط کرد
۱۳۶۷/۳/۲۳	شمالی	شاخ شمیران، منطقه عملیاتی بیت‌المقدس	۳لشکر	۲روز تلاش دشمن ناموفق ماند
۱۳۶۷/۳/۲۶	شمالی	ارتفاعات شیخ محمد، منطقهعملیاتی بیت‌المقدس ۶	۶لشکر	ارتفاعات شیخ محمد سقوط کرد
۱۳۶۷/۳/۲۸	میانی	مهران، منطقه عملیاتی کرکلی ۱	مناقین با همکاری عراق	ارتفاعات قلاویزان و کله قندی سقوط کرد
۱۳۶۷/۴/۴	جنوبی	منطقه عملیاتی خیبر	۱۴ لشکر	جزایر مجنون سقوط کرد
۱۳۶۷/۴/۷	شمالی	ارتفاع دوپازار، منطقه عملیاتی نصر ۷	۱لشکر	ارتفاعات دوپازار و بلفت سقوط کرد
۱۳۶۷/۴/۲۱	جنوبی	شرهانی و عین خوش، منطقه عملیاتی محرم	۹لشکر	ارتفاعات غرب عین خوش سقوط کرد

و بدین منظور در یک عملیات زمانبندی شده ۳۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را در حد فاصل ۱۳۶۷/۳/۲۸ تا ۱۳۶۷/۴/۲۲ نواختند.

حوادث ماه‌های پایانی جنگ از جمله پس از حمله ارتش عراق به خطوط ارتش در فکه که در روز ۵۹۸ را بپذیرد.



محسن صیفی کار نویسنده کتاب کوله همه پر از لیمو |

این شهدا اکبر یارمحمدی، حسین همدانی، محمود شهبازی، ابوالقاسم حاجی بابایی و اسماعیل شکر یی موحد هستند که علیرضا درباره آنها صحبت می‌کند، البته شهدای دیگری هم هستند که هنوز بخشی معرفی نشده‌اند. برای نمونه شهید محمّد شهبازی که البته همدانی نیست اما عمر عملیاتی و نظامی‌اش را در همدان گذرانده است.
نظامی بود در عملیات فتح‌المبین معاون حاج احمد متوسلیان و در بیت‌المقدس مسئول محور بود اما هنوز کتاب پر و پیمانی از او به چاپ نرسیده است

با شهید حبیب‌الله مظاهری یکی از رقایای شهید حاجی‌بابایی، حبیب برای خودش یلی بود. او فرمانده گردان مسلم بن عقیل در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس بوده است. درباره این نظامی بود، معلم هم بود. بشدت در روستاهایی که تدریس می کرد محبوب بود تا جایی که در یکی از روستاها کدخدا همدان در عملیات رمضان را بر عهده داشت. او به محض ورود به عملیات مصاحبه‌هایی زیادی با دوستان، هم‌زمان و همکلاسی‌های شهید انجام شد البته برادر شهید دکتر حمیدرضا حاجی بابایی نیز مصاحبه‌هایی انجام داده بود که از آنها هم استفاده کردم، موضوع دیگری که در نگارش کتاب بسیار به من کمک کرد اشراف اطلاعاتی‌ام به حوادث دهه ۵۰ و ۶۰ در سال‌های انقلاب و جنگ بود، من از

گپ وگفتی با محسن صیفی کار، خالق «کوله‌هایی پر از لیمو»

شهدای شاخص همدان همچنان گمنام

زینب زارع چهارمندان

روزنامه‌نگار

«کوله‌هایی پر از لیمو» عنوان کتاب جدید محسن صیفی کار است که به زندگی شهید معلم و سردار علیرضا حاجی بابایی فرمانده محورهای عملیاتی غرب و جنوب می‌پردازد. صیفی‌کار این کتاب را در طول ۱۲ سال به نگارش درآورده و در طول این سال‌ها با افراد مختلفی به گفت‌وگو نشست است. نتیجه چندسال پژوهش میدانی (سفر به مناطق عملیاتی، ده‌ها مصاحبه با حدود ۴۰ نفر از دوستان، خانواده، همکلاسی‌های هم‌زمان شهید)، تجربیات علمی، پژوهشی و تاریخی نویسنده در حوزه دفاع مقدس استان همدان و حوادث و شخصیت‌های تأثیرگذار به خلق چنین اثری منجر شده است. علیرضا حاجی بابایی معلمی باسواد و عاشق امام و انقلاب بود و بچه‌ها را از صمیم قلب دوست داشت.
حوادث انقلاب و درگیری‌های کردستان و جنگ، اما برگ دیگر زندگی این عارف گمنام است. با آغاز جنگ، او سراسیمه به سرپل ذهاب می‌شتابد. در این عرصه نیز چون گذشته لیاقتش بروز می‌کند و خیلی زود فرمانده می‌شود و خیلی زود هم پرواز می‌کند!
با صیفی‌کار درباره روند نگارش کتاب به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن پیش‌رویتان قرار دارد.

همانگی‌های بیشتری را می‌طلبید.
■ درباره کتاب بیشتر توضیح دهید.

شهید حاجی‌بابایی در سال ۶۱ و در ابتدای دفاع مقدس شهید شد و به همین دلیل مدت کمی در مناطق جنگی حضور داشت. اگر قرار بود در کتاب فقط به این یک سال و نیم حضور شهید اشاره شود، خلانی در کتاب به وجود می‌آمد. بنابراین برای آشنایی هرچه بیشتر مخاطب با شهید حاجی بابایی از زمان پیش از تولد او آغاز کردم و در ادامه به تبار شهید و خانواده‌اش، ازدواج پدر و مادرش، جغرافیای انسانی مریانج زاگده شهید و حوادثی که برای او در زادگاهش رخ می‌دهد، پرداختیم. شهید حاجی‌بابایی با دوستان، هم‌زمان و همکلاسی‌های شهید انجام شد البته برادر شهید دکتر حمیدرضا حاجی بابایی نیز مصاحبه‌هایی انجام داده بود که از آنها هم استفاده کردم، موضوع دیگری که در نگارش کتاب بسیار به من کمک کرد اشراف اطلاعاتی‌ام به حوادث دهه ۵۰ و ۶۰ در سال‌های انقلاب و جنگ بود، من از

البته بازخورد خوبی هم گرفتم. نام کتاب به یکی از داستان‌های کتاب برمی‌گردد که راو آن حمید حسام است. در زمان جنگ، مردم، منطقه سرپل ذهاب و تخلیه کرده بودند. در این مناطق باغ‌های لیمو شیرین بسیار زیاد است. وقتی رزمندگان گردان‌های همدان برای شناسایی به این مناطق می‌رفتند، تقی بهمنی فرمانده میانی سرپل ذهاب و ویژه‌ای با شهید حاجی بابایی داشت. هرچقدر در خواهید لیمو بخورید اما وقتی کوله‌ها را پر از لیمو می‌کنید دیگر چیزی از آنها برنارید. بهمنی، لیموها را میان محورجرحان در بیمارستان‌ها توزیع می‌کرد، عطر لیموی خاصی در این کار انسانی در اوج جنگ پر از دلهره به منام می‌رسد چه اندازه نگاه یک فرمانده جنگ انسانی است، تقی بهمنی رفاقت و بی‌زهدی با شهید حاجی بابایی داشت. آنها در یک شهر به دنیا آمدند، با هم در مناطق جنگی حضور داشتند و هر دو در عملیات رمضان شهید شدند. با اینکه تقی بهمنی یکبری ندارد اما یادواره‌اش در گلزار شهدای مریانج در کنار مزار علیرضاست.

■ وحرف آخر،

جنباز جعفر مظاهری ناظر محتوایی این کتاب بود. او دوست نزدیک و معاون شهید علیرضا بوده است. چند روز پیش من کتاب را برای مطالعه و معاینه خواهم کردم. فرادای آن روز ایشان به من زنگ زد و گفت کتاب را خوانده و خیلی هم راضی بود. خدا را شکر فکر می‌کنم کتاب، نمی‌گویم بی‌عیب بلکه کم‌عیب است. از طراح جلد و حروفچین کتاب هم بسیار متشکرم که کار را شکل تحویل دادند.